

صفحات مجازی، بیشترین توهین و خشونت شکل گرفته بر علیه من از سمت کاربران زن است؟! بنابراین ما با بحث عمیقی از یک چالش طرف هستیم که فراتر از زن و مرد است و نیاز به بررسی دارد، این معضلات از نظر من بیشتر ریشه در اخلاقیات و منویات دارد، چرا که ما با مسئله‌ای مواجه هستیم که بیشتر نمایانگر خشونت زنان علیه زنان است. در تجاری که در سفرهای خود به کشورهای مختلف داشته‌ام، هیچ کجای دنیا به اندازه ایران، دختران جوانی ندارد که با اینکه می‌توانند مرد کاملی را در کنار خود داشته باشند، اما وارد زندگی مردان متاهل می‌شوند، زنانی که مثال بارز شخصی هستند که لای در کمد زندگی می‌کنند و گاهی باید در کمد پنهان و گاهی به صورت نیمه بیرون باشند به زعم من این زنان سرنوشت بسیار سخت‌تر و پر چالش‌بارتری را برای خود محتوم می‌کنند، فیلم «عطر آخر اردیبهشت»، این بانوان را نیز بدون قضاوت‌های شخصی، با نگاهی دردمندانه نمایش می‌دهد. و حاصل این فیلم اتفاقی بود که برای خودم افتاد پیرو همان مثالی که می‌گویند "آنچه را که منع می‌کنی باید حس کنی تا از زندگی ات بیرون بروی"، قسمت ایفای این نقش چرخید و چرخید تا اینکه نقش همین زن را خودم بازی کردم که برایم تجربه‌ای ارزشمند بود.

صحبت پایانی

با فروتنی کامل به تمام فیلمسازان و اساتید حوزه زنان در کشورم، من در این سینما به دنبال خلق دنیایی هستم که در آن مردها آدم‌های بدی نیستند، سینمایی که با نگاه فرانسوایی به موضوعات مربوط به زنان در ایران می‌پردازد، سینمایی که لزوماً در آن ضدقهرمان‌ها مردان نیستند، شاید گاهی ضدقهرمان‌های زن هم داشته باشد. مهم این است که ما زنان بدانیم چگونه می‌توانیم با آگاهی بیشتر و صلح بیشتر تبدیل به زنانی قدرتمند در جامعه‌ای قدرتمندتر باشیم.

اصالتی:

دوربین از آخرین فرصت‌های دیدن می‌گوید

در گفته‌ها پیداست، آنچه که در فیلم عطر آخر اردیبهشت مورد تحسین مخاطبان قرار گرفته دوربین شاعرانه و فیلمبرداری این اثر بوده است، به عنوان یک فیلمبردار چطور و با چه احساسی به موضوع این فیلم نزدیک شدید؟

فیلم «عطر آخر اردیبهشت» ماجرای است درباره مهاجرت و زندگی یک زن! و احساسی از جنس روزهای آخر، احساسی میان رفتن و ماندن که این بار خود را در درد گرفتن ریشه‌ها نمایان می‌شود. بر اساس فیلم‌نامه وقتی قصه را جریانی از زن و زندگی دیدم، به طبع فیلم را مستعد ثبت تصاویر شاعرانه و نوستالژیکی از آخرین فرصت‌های دیدن زادگاه و تجدید خاطرات تلخ و شیرین قلمداد کردم و در ادامه نوع نگاه این زن را در این لحظه از زندگی اش چالش بصری خویش قرار دادم. تجربیات پیشین کارگردان و خالق فیلم‌نامه، نیز بسیار برای رسیدن به یک زبان و ساختار مشترک سودمند بود. در این فیلم با اینکه خانم بهار در همانا اولین کارگردانی خود را در فیلم بلند داستانی تجربه می‌کرد اما به جهت آنکه بیش از حد با متن مانوس بودند، به شناخت خوبی از کارگردانی رسیده بودند، و در یک فضای دوسویه به دوربین بنده آزادی عمل بیشتری دادند.

چه آینده‌ای برای مسیر پیش روی جدید بهار رهنما متصور هستید؟

با توجه به روحیه و پشتکاری که از ایشان دیدم در آینده شاهد کارگردانی فیلمهای بهتری از او خواهیم بود، به هر حال در این فیلم جدای از کارگردانی، همزمان درگیر بازی در اثر هم بودند، که این مسئله انجام کار را برایشان سخت‌تر و پرچالش‌تر می‌کرد.

با توجه به تجارب عمیقی که در حرفه تصویربرداری داشتید نقش فیلمبردار را تا چه اندازه به رویانگر نزدیک می‌دانید؟

به طور کلی از نظر بصری نقش مدیر فیلمبرداری که در سینما با عنوان که کارگردان عکس (Director of photographe) خوانده می‌شود، را نمی‌شود انکار کرد. در مورد این فیلم ما برای رسیدن به یک تصویر مشترک نیاز به دیالوگ‌های مشترک داشتیم. معمولاً پس از گپ و گفت، در اکثر سکانس‌ها وقتی بنده و کارگردان به دیالوگ مشترک می‌رسیدیم، تجربه‌های قبلی بنده به عنوان مدیر فیلمبرداری به فراخور هر سکانس روی کارگردانی تأثیرش احساس می‌شد همینطور در مقابل اطلاعاتی که کارگردان از شکل روایت به بنده انتقال می‌دادند، روی دوربین تأثیر داشت. چرا که اطلاعات زیرمتنی فیلم، بهترین منابع برای درک تصویر ذهنی یک کارگردان و فیلمبردار محسوب می‌شوند، و هر چقدر کارگردان در انتقال تصویر ذهنی خود به فیلمبردار به درستی و با تجربه عمل کند به همون اندازه در عکس و در نهایت در فیلم این تأثیرات واضح‌تر حس می‌شود. با این حساب تأثیر مدیر فیلمبرداری از شکل‌گیری روایت در قاب تصویر رانمی‌توان انکار کرد.

نیوشا ضیغمی:

همه این‌ها خود ما هستیم

از تجربه همکاری با بهار رهنما بگوئید؟

فضای کاری خانم رهنما، برای کسانی که متن‌های پیشین ایشان را

خوانده و یا نمایش‌های به اجرا رفته را دیده‌اند، فضایی زنانه و به شدت جذاب است که شرایط اجتماعی زنان ایرانی به شدت در آن جاری است. تصویری ملهم از شخصیت‌هایی که در اجتماع به وفور دیده می‌شوند، فضایی از جنس درد دل‌هایی که زنان دارند. نقشی که من در این فیلم ایفا کردم نمایشی از یک زن عامیانه است که ما بارها نمونه آن را در آرایشگاه‌ها و باشگاه‌های ورزشی بانوان می‌بینیم، زنانی که خسته از فشارهای اجتماعی در هر جایگاهی سفره دلش باز می‌شود، حال ممکن است این زن همسر اول یا دوم یک مرد یا درگیر با معضلات خانوادگی از جنس دیگری باشد. زنانی ملموس که به وفور در طول روز با آن‌ها مراوده داریم، زنانی که اگر درک و دیده شوند، انسان‌هایی ملموس و دوست‌داشتنی‌ایی هستند که ممکن است از سر اجبارهای زندگی تن به زندگی زناشویی و یا رابطه‌هایی پنهانی داده باشند که برای دیگران غیر منطقی به نظر بیاید. این فیلم نمایش می‌دهد که این زن‌ها با داستان‌هایی متفاوتی که دارند از فضا نیامده‌اند، همه این‌ها خود ما هستیم! در نقش‌هایی که زندگی برای ما، بسته به شرایط چیده است. اگر بخواهیم واقعیت انسان را به نمایش بگذاریم، انسان مجموعه‌ای از وقایعی است که در طول زندگی برایش اتفاق افتاده است. در حالی که آنچه در جامعه ما رواج دارد این است که از دیدگاه، یک زن متاهل، نفر دوم رابطه همواره منغور و کریه خوانده شود. در صورتی که همه ما از اجبارها و تجربیات یکدیگر ناآگاه هستیم، از نظر من انسان‌ها در شرایط خاص ممکن است رفتارهای خاصی داشته باشند که برای دیگران قابل درک نیست. به همین خاطر دسته‌بندی انسان‌ها در سفیدی یا سیاهی کار بیهوده‌ای است. در مجموع بسیار برای بهار رهنما خوشحالم که موفق به ساخت اولین فیلم بلند داستانی اش در عرصه سینما شده است و فیلم قابل احترامی را به سینما خصوصاً جامعه زنان اهدا کرده است. تجربه همکاری با ایشان به من ثابت کرد فارغ از حواشی که برای ایشان در فضای مجازی ساخته شده است، او زنی بسیار باسواد، نکته‌سنج و پرتلاش است. و امیدوارم این مسیر تازه، برایش در هر گام موفقیت‌های بیشتری را به همراه داشته باشد.

بازی کردن نقش یک زن در فیلم‌های ایرانی با توجه به محدودیت‌ها و ممیزی‌ها چه چالش‌هایی را برای تان به همراه داشته است؟

در طول این سال‌ها، همواره سینما دغدغه اصلی برای من در زندگی بوده است. و سعی کردم با توجه به تمام شرایط و محدودیت‌هایی که برای یک بازیگر زن در ایران وجود دارد، حرفه خود را حفظ کنم و به کارم ادامه دهم. اما اساساً سینمای ایران برای یک بازیگر زن بسیار سینمای سختی است به طوری که من معتقدم چنانچه بهترین بازیگر زن سینمای جهان را به ایران بیاورید و از او بخواهید تمام این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها را در هنگام نمایش نقش رعایت کند، باور کنید حتی قادر به بازی در یک پلان هم نخواهد بود! بارها و بارها برای خودم پیش آمده است که درست در زمانی که در حال اجرای نقش پیچیده‌ای هستم، به خاطر حجاب و یا ... فیلم کات داده شده و صحنه تکرار شده است. یا گاهی پیش آمده که پس از بازی در یک نقش که برای خودم یک موفقیت به حساب می‌آمده، پس از ضبط آن سکانس به ممیزی خورده و به کلی حذف شده است. در این مورد سلسله مراتبی هست که در بازی و ایفای نقش زن در سینمای ایران تأثیرگذار است از همان ابتدا در مرحله پروانه ساخت نویسنده‌گان باید در کاراکتر پردازی زن در سینمای ایران رعایت کنند که ماحصل آن عمدتاً شخصیت‌هایی سطحی هستند، بعد از آن موارد پوششی و گریم است که در بازی جلوی دوربین باید رعایت شود و بدتر از همه زمانی است که پس از تولید فیلم، هنگامی که نسخه‌ای از آن به شورای پروانه ساخت ارائه می‌شود، ممیزی‌هایی هم در آن جا هست که ناگزیر پلان‌هایی را حذف می‌کنند! و در انتها آن چیزی که از کاراکتر پردازی و ایفای نقش یک زن در سینمایی ایران شاهد هستیم در بازنگری‌های چند باره و اعمال سلاقی شخصی در هر مرحله، کاملاً نابود شده است. و در اینجا ما می‌مانیم با مخاطبی که باید برای او توضیح دهیم که چرا شخصیت تاین اندازه باور ناپذیر و سطحی بوده است. اینکه سینمای ایران برای زنان بسیار سخت است غیر قابل انکار است. و امیدوارم که شرایط در آینده برای زنان بازیگر بهتر شود و حداقل اینکه وزارت ارشاد به همان متنی که در ابتدا پروانه ساخت می‌دهد پایبند باشد و فیلم در ادامه دچار ممیزی‌های مضاعف نشود.

صحبت پایانی:

خوشحالم از اینکه سینمای ایران علیرغم تمام این فشارها کارگردان‌های زن بسیار مطرح و خوبی دارد، که قابل قیاس با کارگردان‌های مرد در تمام دنیا هستند و امیدوارم که در آینده کارگردان‌های زن بیشتری به این عرصه وارد شوند، فیلم‌های با موضوعات زنان و قهرمان‌های زن ساخته شود، چرا که عمده تهیه‌کنندگان راغب هستند که قهرمان قصه فیلم مرد باشد! و برای کل سینما آرزو می‌کنم که حالش خوب شود، سینما در این چند سال روزگار بد و سختی را گذراند، اهالی سینما از دوران کرونا تا تعطیلی سالن‌ها و این فضای دو قطبی شدن گروه‌ها به مصیبت‌های زیادی را از نظر معیشتی افتادند، اهالی سینما نیاز به آرامش و امنیت شغلی دارند این نکته را همه باید درک کنند که خانواده بزرگ سینمای ایران انسان‌های نیستند که از فضا آمده باشند آنها نیز مانند همه مردم حیات‌شان به ادامه شغل و فعالیت مستمر در حرفه‌اشان بستگی دارد.

